

مرحوم حاج اسدا... صفا، پیرغلام اهل بیت^(ع) در خاطره‌ای از شهید نواب صفوی می‌گفت: قرار بود شیخ محمدتقی فلسفی در اردن هاشمی سخنرانی داشته باشد. آقای فلسفی بیمار می‌شود و به جای خود، نواب را معرفی می‌کند. نواب پیشنهاد را می‌پذیرد و بعد با علامه امینی مشورت می‌کند. علامه که استاد نواب بود، او را تشویق به این سفر می‌کند. نواب در پاسخ به علامه می‌گوید: من برای

هر وقت نصرا... را

می بینم یاد

نواب صفوی می‌افتم

این سفر یک شاهی هم در جیبم ندارم. علامه هم می‌گوید من این پول را تأمین می‌کنم و از این بابت ناراحت نباش. حاج اسدا... برای این‌که چهره و صلابت نواب را در ذهن نسل جوان ترسیم کند، می‌گفت: من هر وقت سید حسن نصرا... را می‌بینم یاد نواب صفوی می‌افتم... هنگام خروج از منزل، حاج اسدا... کشش‌های ما را جفت کرد. می‌گفت: من این کار را از آقا نواب یاد گرفتم، با این‌که چند سال از این

در آستانه سالروز شهادت مادر پاک‌ی‌ها، موضوعی مهم و مبنایی را بررسی کرده‌ایم

«فدک» رمز انقلاب تاریخی

رسید و او فدک را میان یزید، مروان و عمروبن عثمان تقسیم کرد. بدین ترتیب، سرنوشت فدک راهوس و آرزو یا غرض و سیاست حاکمان رقم زد. هرگاه خلیفه‌ای اندیشه و روشی عادلانه داشت، آن را به صاحبان زمینی را که در اختیارشان بود، برای صلح به پیامبر (ص) واگذار کردند. از آن

مالک فدک بود زیرا مسلمانان برای به‌دست آوردن آن نجنبگیده بودند و قرآن کریم با صراحت بیان می‌کند چنین ملکی برای خدا و پیامبر و خویشاوندان اوست. روایت‌های متعدد نشان می‌دهد پیامبر (ص) فدک را به حضرت زهرا(س) بخشید.

ارزش مادی فدک

خلاف گمان برخی، فدک زمین یا مزرعه کوچکی نبود بلکه روستایی بود که درختان خرمایش را با درختان خرمای کوفه در قرن ششم قمری برابر می‌دانستند. به یقین فدک آن قدر بزرگ و وسیع بوده و اموال زیادی را نصیب صاحبانش ساخته‌است که درآمد سالانه‌اش را ۲۴ هزار یا ۷۰ هزار دینار گفته‌اند.

تاریخ آشفته فدک

ابوبکر، خلیفه اول پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) فدک را جزو اموال عمومی و ثروت ملی اعلام کرد. عمر بن خطاب مانع از آن شد که خلیفه این زمین را به حضرت زهرا(س) برگرداند زیرا در آن زمان دارایی عمومی حکومت اندک و تقویت و تجهیز سپاه در برابر تهدید دشمنان دین نیازمند بودجه بود. به این ترتیب فدک در شمار منابع ثروت دولت درآمد تا زمانی که عمر بن خطاب به خلافت رسید. او آن را به وارثان رسول خدا(ص) برگرداند اما زمانی که عثمان به خلافت رسید، فدک را به مروان بن حکم بخشید! امیرالمؤمنین(ع) در زمان خلافت عثمان، آن را از چنگ مروان دراورد تا خلافت به معاویه



دیدار می‌گذرد من هنوز احساس شرمساری دارم. پیکر حاج اسدا... پس از تشییع از مقابل مسجد شهدا در بزرگراه شهید محلاتی، به حرم حضرت عبدالعظیم حسنی منتقل و به خاک سپرده شد. همچنین مجلس ختم او نیز روز چهارشنبه ۷ آذر در مسجد امام علی بن موسی الرضا، واقع در خیابان ۱۷ شهریور، خیابان شهید قادری برگزار گردید.



...



فاطمه (س) در میدانی که قرار بود سرنوشت امت اسلام رقم بخورد، محکم و استوار، جانانه از اسلام، رسول خدا و ولی خدا دفاع کرد. دو خطبه او که یکی از آنها مخاطبش خلیفه و مردم مسجد و دیگری زنان مدینه بود، «جهاد تبیین» فاطمه (س) بعد از رحلت پیامبر بود. او خطبه‌خوانی و تبیین حقایق را پایه‌گذاری کرد و این سنت میان خاندان پیغمبر (ص) ادامه پیدا کرد. خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع)، خطبه‌امام حسین (ع) که خطاب به علماست، خطبه حضرت زینب (س) در کوفه، خطبه‌امام سجاده(ع) در شام، خطبه‌امام صادق (ع) در عرفات که «امامت» را معنا می‌کنند، همگی از جنس خطبه‌های حضرت زهرا(س) است.

«جهاد تبیین» او در طول تاریخ برای آنان‌که دربی‌حق بودند، نور شد و مسیر را نشان داد. فاطمه (س) تصویر جامعی از هویت زن در منطق اسلام است؛ عابد و بنده خدای متعال، مادر خوب، همسر خوب و در عین حال مجاهدی سبیل....

سلام و درود خدا بر او و پدر بزرگوارش و همسر گرامی‌اش و فرزندان عزیزش.

با احترام و عظمت فراوان از پیامبرشان شنیده‌اند، حتما در خاطرشان هست که او «صدیقه» است و هر چه می‌گوید حقیقت محض است!

گفت «من فاطمه هستم» تا با آنها اتمام حجت کند شاید یادشان بیاید که پیامبر(ص) فرمود، او پاره تن من است. او قلب من است. او روح میان دو پهلوی من است. هر کس او را بیازارد، مرا زرده و هر کس مرا بیازارد، خدا را زرده است. یا آن زمان که فرمود: « به یقین خداوند با خشم فاطمه به خشم می‌آید و با خشنودی او خشنود می‌شود» یعنی هر مسلمانی، اگر بخواهد خدا را خشنود کند باید کاری کند که فاطمه زهرا(س) را خشنود کند.

رهاورد مبارزه

مبارزه و جهاد فاطمی نتوانست خلافت را به مسیر درست برگرداند اما پیروزی قطعی با معیار عقیده و دین به همراه داشت. مدینه روزهایی را می‌گذراند که از گذشت آن همه تالپان قرآن، مجاهدان بدر و حنین فقط ده یا ۱۲ نفر از اصحاب پیامبر (ص) حاضر بودند از حق امیرالمومنین(ع) دفاع کنند! از این میان، حضرت

مکت

فدک و رسول خدا(ص)

در سال هفتم هجرت، پیامبر خدا (ص) برای سرکوبی یهودیان خیبر که علاوه بر پناه دادن به یهودیان توطئه‌گر رانده شده، از مدینه به توطئه و تحریک قبایل مختلف علیه اسلام مشغول بودند، سپاهی به آن سمت گسیل داشت و پس از چند روز محاصره، درهای آن را تصرف کرد. پس از پیروزی کامل سپاه اسلام - با آن‌ که اختیار اموال و جان‌های شکست‌خوردگان

امام محله

جوان‌ها در کارهای خوب سبقت می‌گیرند

روحانی مسجد جامع شهرستان خلیل آباد با انجام فعالیت‌های فرهنگی و ترویجی، ضمن ایجاد همدلی در بین مردم، از لحاظ فرهنگی شهر را متحول کرده است.

کندر از بخش‌های شهرستان خلیل آباد (خراسان رضوی) است که در ۱۷ کیلومتری مرکز شهرستان واقع شده است. این شهر با داشتن بیش از ۷۰۰۰ نفر جمعیت، مرکز بخش ششطر از است که از سال ۱۳۸۴ از روستا به شهر تبدیل شده و امروز یکی از بخش‌های دارای ظرفیت در شهرستان خلیل آباد است.

حجت الاسلام سید مرتضی اسماعیلی، فردی غیرومی از منطقه ترشیز، درباره فعالیت‌های انجام‌شده اظهار کرد: تأسیس هیأت عزاداری ابن الرضا (ع) یکی از برنامه‌ها بود که جوانان را دور هم جمع کردیم و برنامه‌ها و کارهای فرهنگی را به خودشان سپردیم و در برنامه‌های مختلف دخیل شدند. این اعتماد دوطرفه منجر به کارهای خوبی شد که امروز در شهر کندر، سیل همراهی‌ها در امور مختلف خیر سازر نیز شده و از هم سبقت می‌گیرند.



حماسه زنان

چشم‌های شان برق می‌زد

بانوان شهر قدس در چند روضه خانگی، طلاهای خود را برای کمک به جبهه مقاومت اهدا کردند. سمیرا چوبیداری درباره این کمک‌ها می‌گوید: آخرین قطعه را در ایام شهادت حضرت زهرا(س) در یک روضه

خانگی گرفتم. دوستم یک الگوی شکسته گذاشت توی دستم. گفت موقع سینه‌زنی شکست و گفتم حتما حکمتی داشته. حالا دلم می‌خواهد برسد به دست جبهه مقاومت.

روز بعد فهمیدم همان اول انگشترش را هم هدیه داده بود و حالا یک الگو هم به لیست انفاقش اضافه کرد. توی روضه خانگی کلی پول نقد جمع شد. بعضی‌ها سکه آوردند. خانم‌ها چشم‌هایشان برق می‌زد. خوشحال بودند و خودشان را مجاهد می‌دیدند. توی این وضعیت اقتصادی طوری عمل می‌کردند انگار نه انگار سرمایه‌شان را می‌دهند. اشک می‌ریختند و دعا می‌کردند خدا از آنها قبول کند. در نهایت این هدایا که شامل ۱۵ قطعه طلا، شش قطعه سکه طلا و پول نقد به ارزش حدود ۱۷۸ میلیون تومان بود را در به دفتر وجوهات مقام معظم رهبری رساندیم.



اگر مادرم زنده بود...

سمیرا چوبیداری (خبرنگار): می‌خواستم قطره‌ای کوچک در اقیانوس طلایی کمک به مردم لبنان باشم. حلقه‌ای که ۱۱ سال توی دستم بود را نگاه کردم. خاطراتش شیرین بود اما این‌که حلقه‌ام برود و برای یک هدف عالی هزینه شود برایم شیرین‌تر بود. حلقه را از انگشتم دراورددم و گذاشتم توی جعبه. پیام دادم به دوستم که به دیدنش بروم. از کاری که قصد انجامش را را داشتم برایش گفتم. موقع خدا حافظی انگشتر طلایی یادگار مادر مرحومش را توی دستم گذاشت. گفت برای کاری که قصد انجامش را داری هدیه می‌کنم. می‌دانستم دل کننن از یادگاری مادرش راحت نیست. گریه کرد و گفت: اگر الان مادرم زنده بود همین کار را می‌کرد.

جامعه

هیأت

HE Y A T

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۳۰ شماره ۶۹۲۲

پیرغلام

علیرضاضایی | پژوهشگر تاریخ

برای حاج اسدا... صفا

شروع مبارزات؛ از مجلس روضه

بعد ازظهر شنبه سوم آذر ماه خبری تلخ بین هیاتی‌ها پخش شد؛ این خبر صفحات مجازی مذهبی را هم فراگرفت؛ حاج اسدا... صفا، پیرغلام اهل بیت عصمت و طهارت دارفانی را وداع گفت. افسوس خوردم از این‌که همراه با پیکر حاج اسدا... کلی خاطرات ناب و شنیده نشده دفن خواهد شد. برخلاف بسیاری من با نام حاج اسدا... صفا به عنوان مبارزی انقلابی آشنا شدم. بیشتر آشنایانش، ایشان را به عنوان یک هیات‌دار و خادم آل... می‌شناختند. برای حاج صفا خدمت‌گزاری در این دستگاه بالاترین مقام بود و عمر خود را وقف بیان فضائل امیرالمؤمنین کرده بود. اولین دیدارم با حاج اسدا... برمی‌گردد به مصاحبه‌ای که با ایشان داشتم. دنبال شخصیتی بودم که بتوانند در مورد شهید سیدمجتبی نواب صفوی صحبت کند و خاطراتی بگوید. محمدجعفر بگلو از جوانان تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی پیشنهاد داد با حاج اسدا... مصاحبه کنم، گفت: اسدا... صفا از یاران نواب است و شبانه پیکر شهید را از قبرستان مقام سرگرداد به قم انتقال داده است... با خودم گفتم شاید این بنده خدا اهل مبالغه باشد و شخص دیگری این کار را کرده و او به نام خودش زده است. به هر ترتیب با عباس‌آقا پسرشان تماس گرفتم و قرار شد برای مصاحبه به منزل شان برویم. آدرس منزل نزدیک محله‌مان بود. عازم منزل حاج صفا شدیم. ساختمانی قدیمی که بیشتر شبیه حسینیه بود تا منزل مسکونی انامی ساختمان مزین به نام زیبای امام علی (علیه‌السلام) بود. طبقه زیرزمین حسینیه بود. وقتی از بالای راه پله به حسینیه نگاه کردم تصویری کاملاً آشنا از ذهن عبور کرد. درست حدس زدم، من در همان حسینیه‌ای ایستاده بودم که روضه‌های یکشنبه‌شبش در مرحله معروف بود. حاج صفا به عشق مولایش امیرالمؤمنین هر یکشنبه در حسینیه منزلش مراسم توسل و روضه می‌گرفت و من هم بارها و بارها چایی روضه این بیت‌النور را نوشیده بودم. در اتاق مهمان مستقر شدیم تا حاج آقا تشریف بیاورند. حاج اسدا... با کت و شلوار آراسته و چفیه بر دوش وارد اتاق شد. چهره ایشان را که دیدم جذبه‌اش مرا گرفت و تمام تصوراتی را که داشتم از بین رفت. جوری با صلابت رفتار می‌کرد که انگار همین الان از پای منبر نواب صفوی آمده‌بود. با لحن تهرونی قدیمی سلام علیک کرد و خوش‌آمد گفت. تا خواستم در مورد مصاحبه توضیحی بدهم، صحبت‌م را قطع کرد و گفت: «خیلی بیخشید، شما اول خودتان را معرفی کنید و بعد بگویید از کجا و بابت چه کاری آمده‌اید.» وقتی سوالات حاج آقا را جواب دادم، گفت: چرا سراغ من آمده‌اید؟ فلانی و فلانی از من بهتر نواب را می‌شناسند... این رفتار حاج آقا خیلی برایم عجیب بود. کمتر کسی پیدا می‌شود که هم صلابت داشته و هم دارای تواضع باشد. نه‌اینها با اصرارهایی که داشتیم قبول کرد مصاحبه را شروع کنیم. با این‌که سن‌شان حدود ۹۰ سال بود اما یکساعت با قدرت برای ما صحبت کرد. از طریق آشنایی‌اش با نواب صفوی پرسیدم و او جواب داد که از طریق شهید مهدی عراقی و آن‌هم در هیات با آقا نواب آشنا شده است. مرحوم صفا در کنار فدائیان اسلام از اولین مبارزان با طاغوت به حساب می‌آمدند. شروع مبارزات این مجاهد دیرین از روضه امام حسین (ع) بود. حاج صفا مجاری انتقال پیکر شهدای فدائیان اسلام را چنین تعریف کرد: وقتی جنازه‌ها را نیش قبر کردیم رفتیم قم و به محض رسیدن به دیدن آیت‌ا... العظمی مرعشی نجفی رفتیم و ماجرا را برای ایشان توضیح دادیم. آقای مرعشی در پاسخ ما فرمودند: نیش قبر حرام است ولی برای این افراد حلال... بعد همانجا با خادم قبرستان وادی‌السلام قم هماهنگ کرد تا شبانه پیکرها را در آنجا دفن کنیم.



قاب

